

روزانه های دیروز و امروز

به آذین و " کانون نویسندگان ایران "

نشریه " فرهنگ توسعه " ، مصاحبه ای را با " به آذین " منتشر کرد و دیروز " پیک نت " (تارنمای " راه توده ") آنرا نقل . در ابتدا بخش هائی از این مصاحبه (در رابطه با " کانون ") را عینا به نقل از " پیک نت " (با همان رنگی یا برجسته کردن بخشی از مصاحبه با رنگ قرمز) را می آورم و بعد " استعفانامه " کسانی را که در سال 58 از " کانون نویسندگان " جدا شدند(و بعدها تعدادی در داخل و تعدادی دیگر در خارج به بخش " تبعید " ی پیوستند) ، به نقل از کیهان همان سال و سرآخر می خواستم تمام داستان این " جدائی " را به نقل از " مسعود نقره کار بیآورم که امکانات " فنی " ام متاسفانه اجازه ندادند و خواننده اگر امکانش را دارد به جلد 2 کتاب او با نام " بخشی از تاریخ جنبش روشنفکری ایران " ، نشر باران ، چاپ اول ، سال 2002 ، صص 232-161 مراجعه کند .

م. ایل بیگی

17 مهر 82 / 9 اکتبر 03



انتشارگفتگویی که پس از 8 سال زندان ،
مدت ها انتظارش می رفت



<http://www.peiknet.com/1382/page/05mehr/p378azin.htm>

فرهنگ توسعه: با توجه به این که اعضای کانون نویسندگان در آخرین مجمع عمومی خود در تاریخ 26 آبان 1379 میل وافر به لغو مصوبه کانون [مصوبه سال 1358 کانون که بموجب آن کانون نویسندگان به دو شاخه تبدیل شد و عضویت اعضای حزب توده در آن لغو شد] که حکایت از آن دارد که کانون نویسندگان کماکان شما را عضو از خود می داند و قرار است که این پیشنهاد اعضا در جلسه مجمع عمومی به بحث و ارزیابی گذاشته شود، پیش بینی میشود که حذف مصوبه کانون در سال 58 مورد تأکید و تأیید اعضا قرار بگیرد، نظر شما چیست؟

به آذین: از بحثی که سال گذشته در جلسه ی عمومی کانون نویسندگان درباره تعلیق عضویت و اخراج پنج تن از اعضای کانون درگرفت و در آن پیشنهاد شد که آن مصوبه لغو شود، من پس از چندماه از زبان یکی از دوستان خبر یافتم. حرکت جالبی است. نشان میدهد که نسل تازه ی اهل قلم، به رغم باقیمانده های آن دوران، احترام صادقانه تری به تفاوتها ی عقیدتی میگذارد و بر همین اساس،

مصوبه ای را که به انگیزه ی کینه توزی سیاسی صادر شده بود خلاف اصول و مردود می‌شمارد.

به هر حال، کار بی کشمکش نخواهد گذشت. باید ماند و دید.

فرهنگ توسعه: نظر شما درباره اساسنامه کانون نویسندگان که یادگار زنده یاد محمدمختاری است و نیز فعالیت دوره جدید آن چیست؟

به آذین: من آزادی عقیده و بیان و قلم و نشر را که می باید بدون حصر و استثنا تضمین گردد، اگر در عمل به معنای آزادی بی حد و مرز گرفته نشود و در واکنش، کل آزادیهای مدنی را به خطر نیندازد، در طول سالها فعالیت کانون همواره تأیید و بر آن تأکید کرده ام. گذشته از این اصل بنیادی که رعایت دستور و حفظ انضباط آن را لازم می دانم، در دیگر مواد اساسنامه اشکالی نمی بینم.

فرهنگ توسعه: با توجه به این که شما مدت‌ها عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان بوده اید و تجربه های بسیاری در این زمینه دارید، برای تشکیل کانون یا اتحادیه نویسندگان ایران چه گام‌هایی باید برداشت؟

به آذین: برابر دانستن حق همه سبک‌های ادبی - هنری یا عقیده های سیاسی - فلسفی - اجتماعی در عرضه داشت آزادانه از راه بیان و قلم و دیگر وسایل، و نیز شناختن حق یکسان هر اهل قلم و هنر به گزینش و سعی در اشاعه ی نظرهای خاص خویش، همیشه می تواند محوری باشد که نویسندگان و شاعران و منتقدان و دیگر هنرمندان گرد آن فراهم آیند و از منافع صنفی خود پاسداری کنند.

فرهنگ توسعه: از نظر شما نواقص منفی اساسنامه کانون نویسندگان ایران چیست؟ و وضع کانون نویسندگان را در دوره ی جدید چگونه می‌بینید؟

به آذین: در مرحله ی عمل است که ضعفها و کمبودها نمایان و مرتفع خواهند شد. نخستین و مهمترین گام، گرد آمدن و شکل پذیرفتن است. پس از آن، یکدیگر را اندیشیده و صادقانه تحمل کردن. امیدوارم همگان در دوره تازه فعالیت کانون چنانچه کننند و چنانچه باشنند. فرهنگ توسعه: راه برون رفت کانون از مشکلات نشر و پخش چیست؟ به آذین: تنها کانون نویسندگان با دشواری‌ها و **گرفتاریهای نشر و پخش** روبه رو نیست. مطبوعات، ناشران، چاپخانه داران و توزیع کنندگان نیز به همین درد گرفتارند. راه برون رفت از این **دشواریها فعالیت بیشتر و هماهنگ همه این صنف هاست.**

فرهنگ توسعه: به نظر شما کانون نویسندگان تا کجا می تواند از نویسندگان نو قلم حمایت کند و راه کاری که شما پیشنهاد می کنید چیست؟

به آذین: تشکل صنفی نویسندگان، به هر نامی که خوانده شود و فعالیت کند، برای ماندگاری در نوگشتگی، نمی تواند از پرورش استعدادهاى نوحاسته سرباز زند. باید ضمن راهنمایی مشفقانه ی آسان پذیر در کاربرد زبان و پاسداری آن از

آمیختگی های ناساز دستوری و لغوی، نوقلمان را در چاپ و انتشار آثار بدیع شان، اگرچه کمی خام یا نامتعارف به نظر آیند، - یاری و از ایشان پشتیبانی کرد.

فرهنگ توسعه: به نظر شما منشور کانون که در ده ماده تنظیم شده واقعی و گویا است؟
به آذین: در جریان تدوین منشور کانون نوگشته نبوده ام و نظری نمیتوانم داشت.

فرهنگ توسعه: آیا درست است در زمانی که شما مسئول کانون نویسندگان بودید به اتفاق تنی چند از نویسندگان حزبی، فضای کانون را سیاسی و فقط نظریات حزبی را منتقل می کردید؟
به آذین: به هنگام تأسیس و در دوران کوتاه فعالیت اولی کانون نویسندگان ایران، من کمترین رابطه ی سازمانی با حزب توده ایران نداشتم. هیچ رهنمودی از آن سو و هیچ گزارشی از سوی من در کار نبود. اما، با مختصر آشنایی ام با تئوری مارکسیسم و در چارچوب تاکتیک آن برای شرکت مارکسیست ها در فعالیت سازمانهای صنفی موجود طبیعی است که شیوه ی کارم در هیأت دبیران کانون، در حد مقدور، بر همان الگو بوده باشد. و باز طبیعی است که مخالفان، از هر رنگ سیاسی یا سازمانی که بوده باشند مرا مورد اتهام قرار دهند و به من حمله کنند.

در دوره ی دوم فعالیت کانون هم، نزدیک به دو سال کار بر همین منوال بود. با پیروزی انقلاب و پدید آمدن امکان فعالیت علنی و قانونی حزب توده ایران، باز حتا هنگامی که پس از حدود يك سال به حزب پیوستم، در تصمیم گیریها هرگز نیازی به مشورت یا کسب تکلیف از رهبری حزب نداشتم. با سابقه ی چند ساله ام در هیأت دبیران کانون، مورد اعتماد بوده و به استقلال عمل می کردم. **به اقتضای زمان و لزوم پرهیز از افراط کاری و زیاده خواهی آگاه بودم که برای حفظ موجودیت کانون و ادامه ی فعالیت آن مسیر کم خطری را پیشنهاد کنم.** اما ائتلاف چپ روهای افراطی، هواداران شناخته غرب و برخی وابستگان رژیم گذشته کار را به شکاف در صف کانون کشاند و شد آن چه شد.

فرهنگ توسعه: در این چندساله اخیر کانون نویسندگان دوران طاقت فرسایی را پشت سر گذراند که مرگ شهادت گونه مختاری و پوینده از این جمله اند. برای این که نویسندگان ایران هزینه های این چینی را نپردازند و امنیت آنان مثل دنیای پیشرفت تامین باشد چه تمهیداتی باید اندیشه شود؟ با توجه به این که ذات کلمه سیاسی است، روند حرکتی کانون آیا باید ذاتا سیاسی باشد؟

به آذین: گفته شد که هر شکل صنفی، - از جمله تشکل اهل قلم در سازمان هایی نظیر کانون نویسندگان یا شورای نویسندگان و هنرمندان، گذشته از فعالیت در راه منافع صنف، خواه ناخواه معنای سیاسی هم دارد. نویسنده در بازنمایی رویدادهای زندگی مردم به صراحت یا به تلویح، به ارزیابی نظام اجتماعی و سیاسی حاکم و تایید یا انکار آن میپردازد، و به واقع، غیرمستقیم نیروهایی را به هواخواهی یا مخالفت برمیانگیزد. در روزگارانی که جامعه در تعادلی کلی بویژه در مرحله رونق اقتصادی به سر میبرد، مخالفت اگر هم باشد فعال نیست. حکومت به آسانی چشم میبندد. راه انتقاد و حتا مخالفت خوانی

به روی نویسنده باز گذاشته میشود، اما اگر نظام حاکم خود را در خطر عاجل ببیند، بی پرده و بی تردید، با گذراندن قانون و با توسل بی محابا به زور، راه را بر نویسنده میبندد کشاکش رویارو از دو سو در برمی گیرد و هزینه هایی به بار میآورد که بدان اشاره کرده اید. آیا میارزد؟ باید به درستی سنجید و آن گاه خطر کرد یا نکرد.

فرهنگ توسعه: شما به عنوان يك روشنفكر خلاق درباره عملکرد و فعالیتهای هنری تان در كانون نویسندگان ایران در دهه های گذشته چه فكر می کنید؟

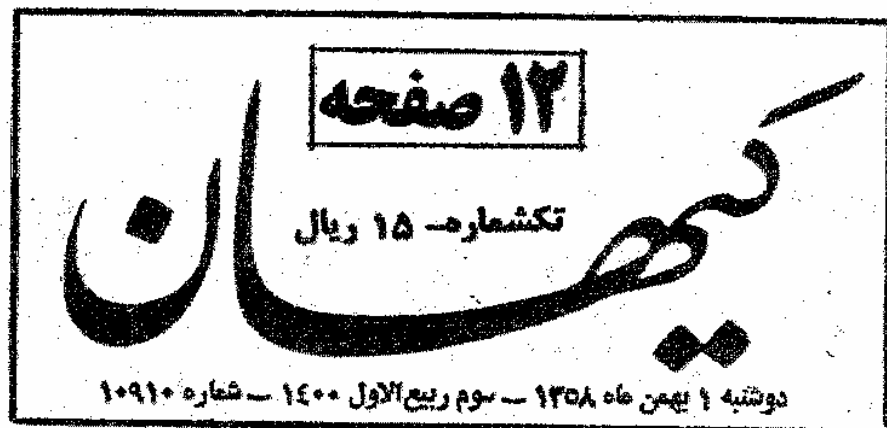
به آذین: وسواس بازنگری و فرصت فكر کردن به این مسئله را ندارم. فرهنگ توسعه: در پایان اگر نکته ای دارید بفرمایید؟

به آذین: گفتنی ها گفته شد. به سلامت باشید.

تهران 17 فروردین 1380

پانوشت:

1- مانگدیم - ماه صورت (واژه مازندرانی است)



استعفای دسته جمعی ۳۶ عضو کانون نویسندگان

علاوه بر این عده در صدد تشکیل اتحادیه هنرمندان ، نویسندگان و شاعران هستیم .

گروهی از نویسندگان عضو کانون نویسندگان ایران طی نامه‌ای به روزنامه کیهان استعفای خود را از این کانون اعلام داشتند و اطلاع دادند که در صدد تشکیل یک کانون ویا اتحادیه تازه‌ای هستند که در راستای انقلاب اسلامی و ضابطه‌یالیستی ایران حرکت خواهد کرد .

بعضیین دلیل نیز از نویسندگان و هنرمندان متعهد و در عین حال معتقد به انقلاب اسلامی ایران دعوت کرده‌اند تا با حضور خود تشکیل این اتحادیه را ترویج بکنند. در این نامه ضمن اشاره به تقسیم‌گیری‌های یکجانبه هیئت دبیران کانون و عدم رعایت سن دبیریه مبارزاتی این کانون ، به اخراج چندتن از اعضای قدیمی آن تاکید شده و در ادامه ن نوشته شده است :

هیئت دبیران در شرایطی که میان انقلاب و دشمن داخلی و خارجی‌اش یک مبارزه مرگ و زندگی درگیر بود رهست ، بنام کانون با نیروهای همگام و هم‌آواز شده که در کارشکنی و ایجاد موانع بر سر راه تحکیم و توسعه انقلاب با فشاری دارند .

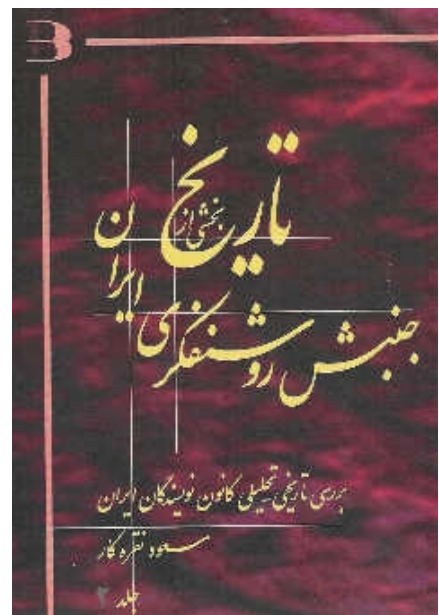
هیئت دبیران در یک مسأله همین مورد اختلاف ، یعنی برگزاری شعبای شعر و سخنرانی ، ناهتوها به‌شدت. چندتن از اعضای کانون که چنین اجتماعتی را طی ده شب عنوانی در محیطی که پذیرای مته و آشوب است صلاح نمی‌دانستند ، توجه نکرد ، بلکه بامیدان دادن به‌تکلیفی و ایجاد تشنج در اتنای جلسات عمومی ویا جلسات شخصی و ایراد انواع تهمت‌ها در طی اعلامیه‌ها و مقاله‌ها دست به اقداماتی زد تا اینج نویسنده و شاعر و مترجم سرشناس این کشور را که هرکدامشان سابقه معتد مبارزه در کانون ویر جامعه دارند ، ابتدا به‌تعلیق عضویت و سپس به اخراج محکوم

کند . با این عمل هیئت دبیران مسئولیت سنگین ایجاد تفرقه و انشعاب در صفوف نویسندگان و شاعران ایرانی را در لحظات حساس انقلاب ایران به‌کردن گرفت .

ما اعضاء کانون زیر ، اعضای کانون نویسندگان ایران ، ضمن رد روش خودسرانه و سلبه‌جویانه هیئت دبیران و عشی سیاسی آن ، که کار را ناچار به‌نی‌اعتباری و تلاشی کانون کشانده ، بدین وسیله ادامه فعالیت خود را در کانون نویسندگان ممکن نمی‌شماریم و استعفای خود را از این کانون اعلام می‌داریم .

از آنجا که متأسفانه کانون نویسندگان ایران با وضعی که پیش آمده محتوای متعهد خود را از دست داده است ، یادآور می‌شویم که ضرورت تاسیس کانون ، انجمن یا اتحادیه‌ای که همه نویسندگان و شاعران و هنرمندان خدمتگزار خلق و وفادار به انقلاب مردمی و ضابطه‌یالیستی ایران را بر اساس تقاضای احترام به عقاید یکدیگر جمع‌کند و استعداد های ادبی و هنری را در راستای حقیقت و پیشرفت بی‌سج نماید ، بیش از هرزه‌های مضمون گشته است ، می‌توان بدین منظور به‌بیت نشست و به‌توافق مطلوب رسید .

دکتر امیرحسین آریاتپور - محمد آقازاده - مصوب
احیائی - مهدی اخوان ثالث - مهدی اسفندیار فرد - حسن
اصغری - هانیبال الخصاص - اصغر الهی - علی‌امینی‌نجدی -
امیر نیک‌آئین - غلامرضا امامی - ناصر ایرانی - حسن
بیستا - محمد پورعمرزان - جامه‌جانشاهی - بهرام حبیبی -
رکن‌الدین خسروی - محمد خلیلی - محمد حسین روحانی -
محمد زهری - جلال سرفراز - احسان ظهیری - جلال
علوی‌نیا - اسدالله عمادی - دکتر نورالدین فرهیخته -
پیراد قراغانی - حسن قانوپناه - محمد قاضی - جعفر
کوش‌آبادی - کامبوزیا گویا - غلامحسین متین - پرویز
مجددی - ناصر مؤذن - دجندلی مهیند - رحیم نامور -
صرت‌الله نوحیان .



انشعاب در

کانون نویسندگان ایران

اخراج و جدایی اعضا و هواداران حزب توده ایران

از کانون نویسندگان ایران، پاییز ۱۳۵۸

مهرماه ۱۳۵۸ در حالی که هیئت دبیران کانون نویسندگان مشغول تدارک «آزادی و فرهنگ» بود، عده‌ای از اعضای قدیمی کانون نویسندگان با برگزاری این شب‌ها مخالفت کردند و پیشنهاد کردند که برگزاری این شب‌های شعر و سخن «به موقع مناسب دیگر» موکول شود.

هیئت دبیران کانون در خبرنامه شماره ۳، که ابتدا در آذرماه منتشر و سپس در دی‌ماه ۱۳۵۸ با تغییراتی تجدید چاپ شد^(۱) در «سخنی با خوانندگان» ضمن توضیح برخی فعالیت‌ها، و نیز ویژگی‌ها و مواضع کانون و اشاره به پاره‌ای انتقادات و «مخالفت‌های خصمانه» می‌نویسد؛

«... تصمیم‌گیری‌های هیئت دبیران کانون نویسندگان از طریق دستورالعمل

۱ در خبرنامه شماره ۳ که در دی‌ماه ۱۳۵۸ منتشر شد، این توضیح آمده است؛ «با پوزش از خوانندگان به خاطر تأخیری که در انتشار خبرنامه شماره ۳ کانون نویسندگان ایران پیش آمده است به اطلاع می‌رساند؛ این تأخیر به دلیل اشکالاتی بود که در نخستین فرم‌های چاپی خبرنامه شماره ۳ (که از توزیع آن جلوگیری شد) وجود داشت». در واقع دو خبرنامه تحت عنوان «خبرنامه شماره ۳» منتشر شد، آذرماه و دی‌ماه، با مطالبی که تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند. (پیوست شماره ۱) م. ن